

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب

برلین - ۱۴ اکتوبر ۲۰۱۰

ترانه هائی از دیار هرات

(بخش پنجم)

بیا که بوس کنم دور دماغت
سفر میرم بدل میمانه داغت
سفر میرم خدا دانه بیایم
ز مرغان هوا گیرم سراغت

جدائی یاره از یاران جدا کرد
جدائی رخنه بر ملک خدا کرد
بسوزه دین و آئین جدائی
جدائی گوشته از تازه جدا کرد

قد سروت الهی خم نگرده
دل شادت به دور غم نگرده
دعا گوی تو ام روز سیصد بار
که یک موی از سر تو کم نگرده

اول داد از خدای دادگر شد
که تیر ناز بر من کارگر شد

به پای اولیا ها ناله کردم
نشد کم درد عشقت بیشتر شد

شمالاً می زنه بر ملك امرو
جلو تور گـرفتم بر لب رود
همان بوسهای لب رودخانه ئی تو
نفهمیدم که لعل بود یا زمرد

گل لاله دم اُرسی به خَو بود
دو زلفان سیاهش دُره تو بود
ازو لب های شیرین بوس گرفتم
به مثل آلوی قوری، پُر او بود

محبت تیر عشقت را بجا زد
ندانستم به سر زد یا به پا زد
که مردم مدعی را میزنن تیر
چرا دلبر مرا بی مدعا زد

همو یار اول باری کجا شد
همو شوшке طلاکاری کجا شد
مه دیشب خواب دیدم دلبر خود
به خَو دیدم، به بیداری کجا شد

گلك جان وعده تو ایشـتو شد
سر شام وعده کردی نیم شو شد
سر شام وعده کردی در زمستان
زمستانم برفت و جو درو شد

الایار و الایار و الایار
سر راهت بباره عقرب و مار
اول تور بگنن که بیوفایی
دوم مر بگنن که تور نگم یار

بسوختم دود مه بالا نشد یار
کسی از سوختنم آگیا نشد یار
بگشتم نه بلوک، چهارده ولایت
طیب درد مه پیدا نشد یار

بلندی در بلندی جای تو دلبر
جرا بهای پنبه گی پای تو دلبر
جرا بهای پنبه گی نقش و نگاره
ستاره صبحدم چشمای تو دلبر

نمیمونه به تو این رنگ گلنار
نمیمونه به مه این قلب خونبار
نمیدانم که مهر تو چها کرد
مرا از کار و کسبم کرده بیزار